

# مقایسهٔ اجمالی حماسه‌های ایرانی و غیر ایرانی

مریم ارجمندی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های شیراز



## چکیده

در این مقاله ابتدا تعاریف اسطوره و حماسه از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته و بعد از آن، چگونگی پیدایش حماسه‌های ادبی و مشخصات کلی آن‌ها بیان شده است. در ادامه، در مورد منشأ حماسه‌ها، منابع داستان‌های حماسی شاهنامه، حماسه‌های ایرانی و ویژگی‌های خاص شاهنامه، به‌عنوان مهم‌ترین اثر حماسی زبان فارسی، به اجمال صحبت شده است. در تمام این موارد در مقاطع ضروری سعی شده است نکات برجستهٔ حماسه‌های ایرانی با موارد غیر ایرانی مقایسه گردد.

در بخش اصلی مقاله، شاهنامهٔ فردوسی با حماسه‌های معروف جهان، همانند ایللیاد و ادیسه، هملت، برتوتوس، حماسی چینی «فنگ شن یینی» مقایسه شده و وجه اشتراک و امتیاز آن‌ها مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در این مقایسه‌ها وجود شباهت‌های عجیب میان شخصیت‌های اصلی بیشتر داستان‌ها در خور توجه است.

**کلیدواژه‌ها:** حماسه، شاهنامه، رستم، سهراب، افراسیاب، سیمرغ، ایللیاد

## مقدمه

«حماسه» واژه‌ای عربی است که معنی و مفهوم دلآوری و شجاعت را دربر دارد، این کلمه در لغت معنی «شدت» و «سختی» می‌دهد و در قاموس عرب، شخص سختگیر را «حمس» می‌گویند. همچنین حماسه به رجز و نوعی از شعر اطلاق می‌شود که در آن از جنگ‌ها و دلآوری‌ها سخن می‌رود. (صفی‌پور: ۲۷۵). «از نظر متون ادبی، حماسه یک شعر بلند روایتی است که دربارهٔ رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخارآمیز در حیات باستانی یک ملت تنظیم می‌گردد.» (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱) این شعر منظومه‌ای بلند و آمیخته‌ای از اسطوره و تاریخ و افسانه است.

در نقد ادبی اصطلاح حماسه یا «شعر پهلوانی» در مورد آثاری به‌کار برده می‌شود که به‌صورت شعر باستانی طولانی در مورد یک موضوع جدی با سبکی عالی و حول محور شخصیتی پهلوانی یا نیمه‌خدایی که سرنوشت

یک ملت یا قبیله یا نژاد انسان وابسته به اوست تدوین شده باشد. (زرین‌کوب: ۱۳۵۱) همچنین، حماسه شعر نقلی بلندی است که بیشتر به یکی از اشکال گفتار، سخنرانی و نطق<sup>۱</sup> ظاهر گردد. این مسئله به‌خصوص در مورد حماسه‌های قدیمی‌تر یونان مثل (ایللیاد و ادیسه)<sup>۲</sup> و بی‌ولف<sup>۳</sup> صدق می‌کند. این حماسه‌ها طوری نوشته شده بود که به‌وسیلهٔ یک گروه خواننده در مقابل جماعت شنونده (شبهه مراسم نقالی در ایران) همانند سرود خوانده می‌شد. (زرین‌کوب: ۱۳۲۹)

«مضامین حماسی به‌صورت داستان‌هایی توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات و کارهای شگفت‌انگیز روایت می‌گردد و از مشخصات این نوع ادبی «عظمت و جلال جنگجویانهٔ آن و برجستگی موضوع و قهرمانان رویدادهای حماسی است که باید از هر لحاظ کامل باشد؛ به‌طوری که حتی خطاهای آن‌ها نیز نباید خالی از جنبهٔ قهرمانی باشد.» (سیدحسینی، ۱۳۵۱: ۵۳-۵۲). محور آثار حماسی اعمال تهورآمیز پهلوانی است که با آگاهی از تقدیر الهی یا خواست خدایان! قدم به

## محور آثار حماسی اعمال تهور امیز پهلوانانی است که با آگاهی از تقدیر الهی یا خواست خدایان! قدم به عرصه‌های حماسی می‌گذارند

حوادث متوالی را مطرح می‌کنند که ارتباط عمیق و محکمی با هم ندارند؛ مثل: حماسه معروف ادیسه برعکس شاهنامه حماسه ملی ایران که بین حوادث و اتفاقات آن یک رشته محکم و قوی به‌عنوان رابط وجود دارد که این اجزا را به استحکام تمام کنار یکدیگر می‌نشانند.

حماسه‌های غربی را به‌طور کلی به دو گونه تقسیم کرده‌اند: ۱. حماسه‌های سنتی یا (حماسه‌های ابتدایی عامیانه، مردمی) ۲. حماسه‌های ادبی (یا حماسه‌های ثانوی). حماسه‌های سنتی به‌وسیله یک ادیب و افسانه‌ای در طی مدت زمان طولانی به‌صورت شفاهی در بین مردم رشد پیدا می‌کردند؛ همانند: ایلیاد و ادیسه که از شاعر نابینای یونانی هومر به یادگار مانده است یا بی ولف، حماسه معروف انگلوساکسون. حماسه‌های ادبی یا ثانوی حماسه‌هایی هستند که به وسیله مردان ماهر و خیره در تقلید ماهرانه از شکل‌های سنتی آن نوشته شده‌اند؛ مانند «انه‌اید» اثر ویرژیل. انه‌اید بعدها مدل اصلی حماسه ادبی «بهشت گمشده» اثر میلتون قرار گرفت و به‌همین ترتیب، بهشت گمشده میلتون، الگوی هابیدون<sup>۷</sup> واقع شد (پیر کربال: ۱۳۶۸). این مسئله در پیدایش اثر حماسی فردوسی نیز صدق می‌کند و استاد توس هم با توجه به گزارش‌های شفاهی و کتبی و در حقیقت، اطلاعات درجه اولی که در اختیار داشته مبادرت به خلق یک حماسه ثانوی مدون و مکتوب نموده است.

دنباله مطلب در وبگاه نشر به

رخداد حوادث، رفتار قهرمانان، ویژگی‌های ادبی، آداب و رسوم مطرح شده و موجودات افسانه‌ای آثار حماسی از متون مورد نظر استخراج و بعد از مقایسه با یکدیگر مدون و مرتب شدند. در این زمینه از کتب و مقالات مرتبط در عرصه آثار حماسی و اسطوره‌ای استفاده شده است.

اسطوره به نوعی از شناخت و تلقی عاطفی از انسان و جهان او گرایش دارد و حماسه، که مرز بین اسطوره و تاریخ است، به شناختی عقلانی‌تر نزدیک می‌شود. به عبارت دیگر، حماسه پای در افسانه و پای دیگر در تاریخ و واقعیت دارد. در حالی که به سمت واقعیت گام برمی‌دارد نگاهی به عقب و افسانه‌های پشت‌سر نیز دارد. حماسه هر قدر از جنبه اسطوره‌ای تهی شود، به وقایع تاریخی نزدیک‌تر می‌شود؛ ارزش حماسی خود را از دست می‌دهد و از ارزش تاریخی بیشتری برخوردار می‌گردد. شاهنامه فردوسی دقیقاً از همین روند و روش تبعیت می‌کند. «ایلیاد» و «ادیسه» نیز تقریباً به همین شیوه ابداع شده‌اند اما چرا حماسه، به این شکل تدوین می‌یابد؟ حقیقت است یا افسانه؟ هر دو یا هیچ کدام؟ در جواب این سؤال باید گفت اسطوره و حماسه، غیرواقعی و غیرحقیقی نیستند بلکه به قول **ادموند فولر**<sup>۴</sup> نوعی از حقیقت‌اند که به هیچ وسیله به غیر از داستان رمزی و حکایت نمادین قابل بیان نیستند (شاهنامه به کوشش جوینی، ۱۳۸۵) و به قول فردوسی:

«تو این را دروغ و فسانه مدان  
به یکسان روش در زمانه مدان  
هر آن چیز کاندلر خورد با خرد  
دگر بر ره رمز معنی برد»

در ادبیات غرب حماسه‌ها بسیار قدیمی‌تر از نمایشنامه‌ها هستند ولی با وجود این همانندی، ساختار قوی و منسجم ندارند و اغلب یک رشته

عرصه‌های حماسی می‌گذارند. اعمال این شخصیت‌ها آن‌چنان اهمیتی دارد که روی یک تمدن و آینده یک جامعه اثر می‌گذارد؛ مانند: کارهای رستم، هومر، ویرژیل، یا آنکه بر کل ابناء بشری اثر می‌کند؛ همانند آنچه در «بهشت گمشده» میلتون مطرح است. قهرمانان رویدادهای حماسی غالباً ابر مردان نامجویی هستند که برای کسب افتخارات و حفظ کیان و استقلال یک ملت یا قوم می‌کوشند و به نبرد برمی‌خیزند و جنگ‌های آنان در حقیقت نوعی مبارزه میان خیر و شر و یا مقابله قدرت‌های اهورایی و اهریمنی است که به‌صورت جریانی سیال و دائمی در بستر حوادثی جالب و خارق‌العاده و عبرت‌آموز به سوی سرنوشت‌هایی محتوم پیش می‌رود. حماسه‌های ملی، در تکوین فرهنگ ملت‌های کهنسال سهمی مؤثر دارند و آثاری چون «ایلیاد و ادیسه» هومر یونانی، رامایانا حماسه معروف هندوان، اثر «والمیکی»، حماسه «فنگ شن یینی» چینی (که شباهت عجیبی با حماسه‌های ایرانی دارد) و شاهنامه فردوسی روشنگر تمدن‌های کهن و استقلال دیرپای ملت‌های یونان، هند، ایران و چین است که از پایه‌گذاران تمدن بشری به‌شمار می‌روند. این ملت‌های باستانی در طول تاریخ پرمجرای خود با اعتقاد به ارزش‌های والای انسانی، همواره از استقلال ملی و مذهبی خود دفاع کرده، در این راه به مبارزه برخاسته‌اند و ناگزیر از جنگ و ستیز با بدخواهان و دشمنان خویش بوده‌اند. پیدایش حماسه‌ها انعکاس و تجلی تاریخی پاره‌ای از این مبارزات است.

### روش تحقیق

در این مقاله برای دستیابی به اجزاء مشابه داستان‌های حماسی ایرانی و غیرایرانی سعی شده است شاهنامه فردوسی در برابر آثاری مانند ایلیاد و ادیسه، مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه جنگ‌ها، شخصیت‌ها، مکان‌ها،